

۱- الف: اصل واقعیت مستقل از ذهن را توضیح دهید؟

اصل واقعیت مستقل از ذهن: در گذشته بسیاری از سوفسطائیان بر این اعتقاد بودند که در عالم خارج از ذهن هیچ واقعیتی وجود ندارد و انسان خیال می کند در عالم خارج از ذهنش واقعیت ها وجود دارند. بنابراین فیلسوفان در ابتدای مباحث مربوط به وجود موظف بودند واقعیت ها را مستقل از ذهن آدمی ثابت کنند تا بتوانند وجود آنها را بررسی کنند.

ب: نخستین و مهم ترین اصلی که می تواند مبداء تحقیق فلسفی قرار گیرد چیست، آن را توضیح دهید؟

اصل واقعیت مستقل از ادراک آدمی است. این اصل یقینی که ذهن بشر از قبول آن ابایی ندارد، مرز جدایی فلسفه از سفسطه است، با این تفاوت که سوفسطایی نیز در عمق ذهن و ادراک خویش بر این اصل معترف است و تنها در مقام بحث یا تاملات سطحی آن را انکار می کند.

۲- مغایرت وجود و ماهیت را با مثال توضیح دهید؟

انسان هر واقعیتی را تصور کند متوجه می شود که برای آن واقعیت دو مفهوم قابل بررسی است که مفهوم «وجود» و مفهوم «ماهیت»

مثلاً: «مفهوم ستاره که وجود بر آن حمل می شود.

ستاره وجود دارد. ستاره: موضوع وجود: محمول دارد: نسبت حکمیه

اگر تمام واقعیت های جهان موضوع چنین قضیه ای قرار گیرند می توان وجود را به عنوان محمول به آنها حمل کنیم ولی حقیقت آن است که به کلیه مفاهیم جهان ، وجود و ماهیت اطلاق می شود اما مفهوم وجود در عالم غیر از مفهوم ماهیت است ولی در عالم خارج در اشیاء مختلف با هم یکی می شوند.

۳- ماهیت را تعریف کنید؟

ماهیت هر شیء عبارت است از چیستی آن شیء.

۴- یک دلیل در اثبات مغایرت وجود و ماهیت بنویسید و آن را با یک مثال توضیح دهید؟

دلیل: مفهوم وجود غیر از مفهوم ماهیت است چون اگر ماهیت و وجود در واقعیت های جهان یکی بود با اثبات یا تصور ماهیت یک چیز وجودش ثابت می شد، در صورتی که در بسیاری از موارد چنین نیست. مثلا " ققنوس یا هیولا یا دیو ، هرکسی در ذهن خود ماهیتی دقیق برای آنها تصور می کند ولی حقیقت این است که با تصور ماهیت یک شیء وجود آن ثابت نمی شود. این بحث در فلسفه با عنوان مغایرت وجود با ماهیت یا زیادت وجود بر ماهیت در ذهن ، یکی از اصول حکماست.

۵- الف: مواد قضایا (وجوب ، امکان و امتناع) را با مثال بنویسید؟

در هر قضیه که محمولی به موضوع نسبت داده می شود بین موضوع و محمول سه گونه رابطه برقرار است:

۱- یا نسبت دادن محمول به موضوع واجب است که رابطه این موضوع و محمول را وجوبی می نامند.

۲- و یا نسبت دادن محمول به موضوع به نحو مثبت و هم منفی قابل تصور است که رابطه را امکانی می خوانند.

۳- و یا نسبت دادن محمول به موضوع محال است که این رابطه را امتناعی می نامند.

مثال:

مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است. رابطه ی وجوبی

موضوع محمول

در یک شکل هندسی کثیرالضلاع ۱۰ زاویه ی قائمه وجود دارد. رابطه ی امکانی

موضوع محمول

مجموع زوایای یک مثلث ۲۷۰ درجه است. رابطه ی امتناعی

موضوع محمول

ب: رابطه امتناعی را از نظر منطقیین با مثال توضیح دهید؟

۱ - عقل همواره از قبول این رابطه امتناع می ورزد. - امکان ندارد بین موضوع و محمول رابطه برقرار شود

۶- مواد ثلاث (وجوب، امکان و امتناع) را از نظر حکما با مثال توضیح دید؟

اگر محمول قضیه ای وجود قرار گیرد برای نوشتن قضیه آن سه حالت قابل تصور است:

۱- رابطه بین موضوع و محمول وجوبی است و موضوع ضرورتاً " وجود دارد. مانند خداوند وجود دارد. ? واجب الوجود

مانند ذات خدا

۲- رابطه ی بین موضوع و محمول امکانی است و موضوع هم می تواند وجود داشته باشد و هم نباشد. ? ممکن الوجود

مانند همه موجودات غیر از ذات خدا